

Reviewing Genres and Contents of Socialist Realism Stories in Periodicals of Tudeh Party of Iran

Mohammad Reza Haji Aqa Babaai*

Ghazaleh Mohammadi**

Abstract

Tudeh Party of Iran has used different literary genres for expressing their points of view and employed literature as a mean to state political ideas. Among literary genres, story has remarkable capability and it is counted as a suitable culture which both the pro-Party authors and mass folks can test their aptitudes. Investigating 14 dependent periodicals to Tudeh Party, story genres have been reviewed through utilizing Socialist Realism instructions perspective, in this study. According to findings, the used themes are more about economic poverty, cultural poverty, injustice upon poor people, call for unity and struggle against oppressors and other subjects of Socialist Realism approach. Even from style perspective, some of these stories are too amateur and have lack of narrative technique and some of them have been written so professional that their authors have been able to skillfully fit Party's instructions on subtexts. Another part of published stories is about Pop literature which has been one of Party's strategies in literary studies scope

Keywords: Literary schools, Socialist Realism, Fiction, Periodicals of Tudeh Party of Iran.

* Associate Professor , the literature allameh tabatabaei university (Corresponding Author),
Hajibaba@atu.ac.ir

** M.A in Persian Literature in Allameh Tabatabaei University,
ghazaleh.mohammadi.1051374@gmail.com

Date received: 06/02/2021, Date of acceptance: 17/12/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

بررسی گونه و محتوای داستان‌های رئالیسم سوسیالیستی در نشریات حزب توده ایران

محمد رضا حاجی آقابابایی*

غزاله محمدی**

چکیده

حزب توده ایران برای بیان دیدگاه‌های مورد نظر خود از گونه‌های مختلف ادبی نیز بهره گرفته است و ادبیات را به عنوان ابزاری برای بیان اندیشه‌های سیاسی به کار برده است. در میان گونه‌های ادبی، داستان ظرفیت قابل توجهی برای بیان اندیشه‌های حزبی داشت و بستری مناسب به شمار می‌آمد تا هم نویسندگان حرفه‌ای طرفدار حزب و هم توده مردم در آن طبع آزمایی کنند. در این پژوهش، با بررسی چهارده نشریه وابسته به حزب توده، گونه داستان از منظر به کارگیری آموزه‌های رئالیسم سوسیالیستی بررسی شده است. بر اساس نتایج به دست آمده، مضامین به کار رفته در این داستان‌ها بیش تر درباره فقر اقتصادی، فقر فرهنگی، ستم بر فرودستان، دعوت به اتحاد، مبارزه با ستم‌گران، و دیگر موضوعات برخاسته از رویکرد رئالیسم سوسیالیستی است. از نظر سبکی نیز بعضی از این داستان‌ها بسیار ابتدایی و فاقد شگردهای داستانی اند و بعضی دیگر از داستان‌ها بسیار حرفه‌ای نوشته شده و نویسندگان با مهارت توانسته‌اند آموزه‌های حزبی را در لایه‌های زیرین متن بگنجانند. بخش دیگر آثار داستانی منتشر شده به ادبیات عامه اختصاص دارد که یکی از راهبردهای حزب توده در حوزه پژوهش‌های ادبی بوده است.

کلیدواژه‌ها: مکتب‌های ادبی، رئالیسم سوسیالیستی، ادبیات داستانی، نشریات حزب توده ایران.

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول)، Hajibaba@atu.ac.ir

** کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، ghazaleh.mohammadi.1051374@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۰



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

حزب توده ایران در دهم مهر ۱۳۲۰ با گردهم آمدن جمعی از روشن فکران و اندیشمندان، که عمدتاً گرایش‌های مارکسیستی داشتند، تشکیل شد و به سرعت توانست در میان قشرهای گوناگون جامعه به‌ویژه تحصیل‌کردگان، شاعران، و نویسندگان اعضا و هواداران فراوانی پیدا کند که از آن میان می‌توان از کسانی چون فاطمه سیاح، احسان طبری، خلیل ملکی، عبدالحسین نوشین، صادق هدایت، نیما یوشیج، فریدون توللی، بزرگ علوی، محمدعلی افراشته، پرویز ناتل خانلری، جلال آل‌احمد، به‌آذین، و... نام برد.

حزب توده نگاهی ابزاری به ادبیات داشت. از این رو، تمامی تلاش خود را به‌کار گرفته بود تا نویسندگان و شاعران دیدگاه‌های مورد تأیید حزب را، که براساس آموزه‌های سوسیالیستی بود، در آثار خود مطرح کنند. بنابراین، می‌توان شاخص‌های گرایش رئالیسم سوسیالیستی را، که از سوی نهادهای ادبی شوروی تبلیغ می‌شد و اعضای حزب به آن اعتقاد داشتند، در بیش‌تر این آثار دید.

در میان گونه‌های مختلف ادبیات، داستان ظرفیت قابل‌توجهی برای بیان اندیشه‌های حزبی داشت و بستری مناسب بود که هم روشن‌فکران جامعه و هم توده مردم در آن طبع‌آزمایی کنند. این داستان‌ها با موضوعات مختلفی از جمله ظلم و ستم به توده مردم نوشته و معمولاً در نشریات مختلف وابسته به حزب منتشر می‌شدند، اما با نگاهی دقیق به نشریات می‌توان گفت که نوع نشریه، سردبیر، و مدیرمسئول نشریه در چگونگی پردازش داستان و سطح کیفی آن تأثیرگذار بوده‌اند. در این پژوهش با نگاه به چهارده نشریه وابسته به حزب توده گونه داستان از منظر به‌کارگیری آموزه‌های رئالیسم سوسیالیستی مورد بررسی قرار گرفته است. نشریات مورد بررسی عبارت‌اند از: سیاست، مردم، نامه مردم، نامه رهبر، ظفر، آثریر، مردم ماهانه، مردم آدینه، مردم برای روشن‌فکران، بیداری ما، رزم، سوگند، پیام نو، و سروش فارس.

۱.۱ پیشینه پژوهش

درباره موضوع ادبیات از نگاه حزب توده ایران با وجود اهمیت آن مقالات چندانی در دست نیست و بیش‌تر مقالات موجود نیز به آثار بعد از کودتای ۱۳۳۲ توجه کرده‌اند و به سال‌های آغازین تشکیل حزب و دوره اول فعالیت قانونی آن نپرداخته‌اند. یاسر فراشاهی در

مقاله‌ای تحت عنوان «پژوهشی در مبانی فکری نظریه ادبی حزب توده (۱۳۱۰-۱۳۳۰ش)» به بررسی مبانی فکری- ادبی حزب پرداخته و به صورت مشخص به گونه ادبی خاصی توجه نکرده است. در این پژوهش غالب ارجاعات به مجله دنیا و پیام نوست و دیگر نشریات حزب بررسی نشده‌اند (فرشاهی نژاد ۱۳۹۸: ۸۵-۱۰۹). «تأثیر حزب توده بر ادبیات داستانی ایران (۱۳۳۲-۱۳۵۷)» عنوان مقاله دیگری است که به ادبیات داستانی حزب توده در بازه زمانی بعد از کودتا تا انقلاب اسلامی پرداخته است و توجه آن بیش تر بر تأثیر آشکارا و نهانی ایدئولوژی حزب در داستان ایران معطوف بوده و آثاری از چند نویسنده مشهور را تحلیل کرده است (جوادی یگانه ۱۳۹۱: ۱-۲۰). براساس بررسی‌های صورت گرفته، مقاله‌ای مشابه با موضوع این پژوهش یافت نشد.

۲. حزب توده و ترویج رئالیسم سوسیالیستی

رئالیسم سوسیالیستی یکی از گونه‌های رئالیسم یا واقع‌گرایی است که کنگره نویسندگان شوروی در سال ۱۹۳۴ آن را مطرح کرد و به موجب آن این رویکرد به مهم‌ترین رویکرد هنری- ادبی و تنها سبک زیبایی‌شناسی در شوروی تبدیل شد. نظریات، اصول، و ویژگی‌های این مکتب ادبی برگرفته از آموزه‌های مارکسیستی، کمونیستی، و بیش تر نزدیک به دیدگاه‌های مارکسیستی لنین بود. این دیدگاه‌ها، که برگرفته از نظریات منتقدانی چون بلنیکسکی، پیساروف، دابرولیوبف، و چرنیشکفسکی بود، در نقد ادبی ارزش‌های زیبایی‌شناختی اثر را فاقد جنبه‌های عقلانی، اخلاقی، کاربردی، و تعلیمی می‌دانست (سیدحسینی ۱۳۸۴: ۳۰۸).

این رویکرد خوانشی سیاسی و ایدئولوژی زده از مفهوم زیبایی است، تاجایی که حتی لنین عقیده داشت که هنرمندان آزادانه می‌توانند خلق کنند، اما کمونیست‌ها آنان را براساس برنامه‌هایشان ارشاد می‌کنند (ناباکوف ۱۳۷۱: ۳۸). با نگاه به این تفکر، می‌توان گفت که رئالیسم سوسیالیستی یک شیوه رهبری و هدایت افکار عمومی از طریق نفوذ در فرهنگ، هنر، و ادبیات است. هدف رئالیسم سوسیالیستی نگاه زیبایی‌شناسی خاص به آثار ادبی و هنری نبود، بلکه گسترش مفهوم سوسیالیسم در شوروی و دیگر کشورهای دنیا بود.

سه اصل گرایش‌های سیاسی و حزبی، دیدگاه‌های ایدئولوژیک، و دیدگاه‌های مردم‌گرایانه از مهم‌ترین اصول رئالیسم سوسیالیستی است. منظور از گرایش‌های سیاسی و حزبی آن است که نویسندگان، شاعران، و هنرمندان در این مکتب باید در خدمت

دیدگاه‌های حزبی باشند، به گونه‌ای که هر نوع آموزشی در زمینه مسائل مختلف به‌طور کلی و «در عرصه هنر به‌طور خاص باید دربرگیرنده روح مبارزه طبقاتی به سردمداری پرولتاریا برای تحقق بخشیدن به دیکتاتوری خاص این طبقه باشد» (هریسون ۱۳۸۵: ۹۷). هدف این رویکرد براندازی نظام بورژوازی، از میان بردن طبقات مختلف اجتماعی، و در نهایت منع بهره‌کشی انسان از انسان است.

منظور از دیدگاه‌های ایدئولوژیک نیز توجه به اهمیت ادبیات و هنر برای القای افکار حزبی است. ادبیات و هنر برای هنرمندانی که به این مکتب گرایش داشتند، به منزله ابزاری است تا از طریق آن بتوانند اصول و مفاهیم خود را به مردم نشان دهند، خصوصاً هدف ایشان آن بود تا انسان، به‌ویژه طبقه کارگر، را از بند بردگی رها کنند.

منظور از گرایش‌های مردمی آن است که این هنر خود را متعلق به توده مردم می‌داند؛ توده مردمی که خود را در معرض استثمار دولت‌ها می‌بینند و دریافته‌اند که از این طریق می‌توانند به حقوق خود برسند. این توجه به توده‌های مردم تا جایی پیش رفت که نیاز به ایجاد زبانی تازه نیز احساس شد. «باید زبانی با قابلیت‌های انقلابی و مردم‌پسند ایجاد کرد و از لفاظی‌های عوام‌فریبانه و توخالی پرهیز کرد، چراکه ما به واژه‌های تازه نیاز داریم؛ واژه‌های اصیل که تصویرگر این عصر باشکوه تاریخی باشند» (لوکاج ۱۳۹۱: ۱۳۹).

انسان، در رئالیسم سوسیالیستی، محور توجه است؛ البته انسانی که برآمده از آموزه‌های مارکسیستی باشد. انسان در نگاه سوسیالیستی یعنی فردی که در طبقه کارگر یا دهقانان جای می‌گیرد و مورد ظلم و ستم نظام سرمایه‌داری قرار دارد. در این نگاه، انسان پدیده‌ای اجتماعی است که با کار، کوشش، هم‌بستگی، و توجه به الگوهای فرهنگی و سیاسی مورد تأیید نظام کمونیستی می‌تواند موجب بهبود اوضاع جامعه و دولت‌ش شود. برای آن‌که این انسان بتواند از بند طبقه اجتماعی خود رها شود و در مقابل بورژوازی بایستد، مفاهیمی چون هم‌بستگی، ظلم‌ستیزی، مبارزه با فقر اقتصادی و فرهنگی، آزادی‌خواهی، توجه به فرودستان اجتماع، و... دارای اهمیت است و نیاز است تا برای او قهرمانی ترسیم شود که به‌عنوان الگو مورد تقلید واقع شود. البته تمامی این مفاهیم تا زمانی ارزش‌مندند که در جهت تبلیغ دیدگاه‌های کمونیستی باشد و اگر چنین هدفی را برآورده نکند، مورد بی‌اعتنایی قرار می‌گیرد.

حزب توده ایران نیز، با توجه به اعتقادش به دیدگاه‌های رهبران شوروی، در نشریات ادبی خود به تبلیغ چنین رویکردی پرداخت و داستان‌هایی را منتشر کرد که مطابق با آموزه‌های رئالیسم سوسیالیستی بود. گونه داستان این امکان را برای نویسندگان نشریات

بررسی گونه و محتوای داستان‌های ... (محمد رضا حاجی آقابابایی و غزاله محمدی) ۹۵

حزب فراهم می‌کرده است که به راحتی طیف گسترده‌ای از مردم را با تفکرات حزب آشنا و جذب کنند. از این رو از گونه‌های پرطرفدار در نشریات حزب به‌شمار می‌آید.

طی هفت سال اولیه فعالیت قانونی حزب توده، در نشریات وابسته به حزب، که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت، ۳۴۹ عنوان داستان تألیفی منتشر شده است که برخی از آن‌ها در یک شماره و برخی دیگر به صورت دنباله‌دار بوده‌اند. در ادامه چگونگی ترویج مبانی رئالیسم سوسیالیستی در این داستان‌ها بررسی می‌شود.

۳. مضامین داستانی

با بررسی داستان‌هایی که در نشریات وابسته به حزب توده ایران منتشر شده است، متوجه می‌شویم که بسیاری از این داستان‌ها مضامین مشترک دارند که براساس آموزه‌های رئالیسم سوسیالیستی شکل گرفته‌اند. در ادامه به بررسی مضامینی می‌پردازیم که بسامد بیش‌تری دارند.

۱.۳ فقر

شرح فقر و اختلاف طبقاتی، که در جامعه حاکم است، از مضامین پرتکرار داستان‌های منتشر شده در نشریات حزب است. فقر به دو شکل فقر اقتصادی و فقر فرهنگی در این داستان‌ها بازتاب داشته است.

۱.۱.۳ فقر اقتصادی

بسیاری از این داستان‌ها به شرح فقر اقتصادی و اختلاف طبقاتی موجود در کشور پرداخته‌اند. در شماره ۱۱۵، ۱۱۶، و ۱۲۷ نشریه نامه رهبر و شماره ۱۳۶ و ۱۳۷ نامه مردم داستانی به نام «سیاه و سفید» از جهانگیر افکاری منتشر شده است که زندگی یک خانواده ثروتمند و یک خانواده فقیر را توصیف و با یک‌دیگر مقایسه می‌کند:

ناصر پارسال هم در همین کلاس بود. سه سال بود که به مدرسه می‌آمد، ولی بیش از دو کلاس را نتوانسته بود ببیند. بچه‌ای درشت‌استخوان و باهوش بود، با چشم‌هایی سیاه و پرنور [...] آستین‌های کتش از کهنگی به قدری کوتاه شده بود که از مچش یک وجب بالا می‌ایستاد و آن قدر کت برایش تنگ بود که وقتی دکمه‌هایش را می‌انداخت، چهارشاخ می‌ماند و نمی‌توانست بازوهایش را تکان بدهد [...].

و در ادامه درباره زندگی کودکی ثروت مند آمده است:

هرمز بچه خوش روی بازی گوشی بود. از کودکی عادتش شده بود که دیر از خواب بلند شود و همیشه تا ساعت هشت بخوابد. بعد که بیدار می شد، مقداری توی رخت خواب غلت می خورد. آن وقت کلفت مخصوص اتاق آفتابه لگن نقره را از آب چشمه پر کرده با صابون و ابر و حوله سر تخت خوابش می برد (نامه مردم ۱۳۲۲: ۱۳۷).

در نشریه مردم نیز داستان هایی با همین مضمون دیده می شود، از جمله داستانی با عنوان «من یک کارگرم»، بدون نام نویسنده، که در آن نیز به اختلاف طبقاتی پرداخته شده است:

من هرگز به گردش و تفریح نمی روم و نمی دانم در دنیا چه خبر است. گاه که به عجله به کارخانه می روم یا به طرف خانه می آیم، اطفال یا جوانانی را می بینم که هم سن من هستند، ولی به طرف کارخانه نمی روند، بلکه کیف زیر بغل دارند و به جانب دبستان می روند. من بی سواد مانده ام برای آن که از کوچکی در طلب پول برای گذران زندگی افتاده ام. چه قدر میل داشتم با سواد بشوم، زیرا شوق آن را دارم. اگر من با سواد می شدم، حتماً می توانستم حقوق بیش تری بگیرم و مادرم را معالجه کنم. خواهرم را به مدرسه بفرستم. در خانه درست منزل کنم و غذاهای خوب بخورم و روزهای جمعه را استراحت کنم (مردم ۱۳۲۰: ش ۳).

داستان مشهور «زیر چراغ قرمز» از صادق چوبک، که به فقر و فحشا پرداخته، در نشریه مردم برای روشن فکران منتشر شده است (مردم برای روشن فکران ۱۳۲۳: ش ۶). هم چنین، تنها داستان منتشر شده از عبدالحسین نوشین در نشریات حزب توده «استکان شکسته» در مردم ماهانه به چاپ رسیده و به موضوع فقر پرداخته است (مردم ماهانه ۱۳۲۵: ش ۵). هم چنین از ابراهیم گلستان، که در آن روزها به عنوان یک تحلیل گر اخبار جهان در این نشریات فعال است، داستانی با همین موضوع تحت عنوان «به دزدی رفته ها» در همین نشریه منتشر شده است (مردم ماهانه ۱۳۲۶: ش ۳).

در نشریه مردم آدینه نیز، داستان های بسیاری با همین مضمون منتشر شده است که غالب آن ها از دو نویسنده با نام مستعار «ع. م. مینو» و «ع. ا. روئین» است که به صورت دقیق^۲ مشخص نیست که این افراد چه کسانی هستند. البته که این موضوع یک ویژگی در فعالیت های حزبی و ایدئولوژیک است، حتی افراد رده بالای حزبی همواره در یک هویت جمعی استحاله پیدا می کنند و به نوعی شخصیت فردی و فکری آدم ها قربانی هدف های تشکیلاتی و حزبی می شود و به همین دلیل است که در بسیاری از مقالات و نوشته های حزبی اشاره ای به نام نویسندگان نمی شود.

در آغاز فعالیت نشریه *ظفر*، در هر شماره یک داستان با موضوع شرح فقر، اختلاف طبقاتی، و ظلم به کارگران منتشر می‌شده است. در پایان یک داستان به نام «بچه‌های ولگرد» از افراشته می‌خوانیم:

...رفقا شما که این مقاله را می‌خوانید نمی‌دانم پدر هستید یا خیر. اگر پدر باشید، بایستی یک دقیقه فکر کنید ضامن این بدبختی‌ها و بی‌چارگی‌ها کیست؟ اطفال بی‌پدر را که بایستی اداره کند؟ طفلی که پدرش می‌میرد چه گناه کرده است که به‌آن بایستی در منجلاب بدبختی و بی‌چارگی فرو برود. آیا این دولت و این هیئت حاکمه، که همه مال‌دار و صاحب ثروت هستند و اگر هم مردند اداره سرپرستی صغار از اطفال آن‌ها نگهداری خواهند کرد، هیچ به فکر اطفال مردم بی‌چیز هستند؟ البته خیر، زیرا سیر از گرسنه خبر ندارد (*ظفر* ۱۳۲۳: ش ۳).

داستان‌های «اجاره‌خانه» (پیام نو ۱۳۲۵: ش ۱۰) و «آب» (پیام نو ۱۳۲۷: ش ۱) از بزرگ علوی که در مورد رنج توده مردم و فقر آنان است، در نشریه *پیام نو* به چاپ رسیده‌اند و داستان‌های تألیفی نشریه سوگند نیز که تقریباً در تمام شماره‌های آن منتشر می‌شده و نویسنده بسیاری از آن‌ها «ع. م. مینو» بوده و به فقر و اختلاف طبقاتی پرداخته است.

نکته مهم در پرداختن به مضمون فقر آن است که بیش‌تر نویسندگان به صورتی آشکار و بدون استفاده از شگردهای داستانی به بیان مضمون فقر پرداخته‌اند و این امر نشانه آن است که توجه به مضمون بیش از توجه به صورت و فرم برای نویسندگان این داستان‌ها مهم بوده است.

۲.۱.۳ فقر فرهنگی

دیگر موضوعی که در این داستان‌ها به چشم می‌خورد، شرح فقر فرهنگی جامعه است. در برخی داستان‌های *نامه رهبر*، ضمن شرح فقر اقتصادی، به بچه‌دارشدن در این شرایط نیز اشاره شده و این عمل نکوهش شده است:

من از شنیدن این خبر حالم تغییر کرده سرم داغ شد، فکر می‌کردم این شخص تابه‌حال سه بچه دارد، از یکی که اصلاً خبری نیست و این دوتای دیگر را هم که من دیده‌ام موجودات بدبختی هستند که زیر چنگال شهوت این مرد اسیرند و اصولاً امیدی بر رشدونمو و تربیت آن‌ها نیست. حالا پس از چندصباحی یکی دیگر به این موجودات

اضافه می‌شود [...] آن شب دو ساعت بعد از نصف بدون ماما، بدون داشتن روغن برای پختن کاجی، بدون داشتن خرده‌ای کره برای بچه، در روی زیلوی مندرس موجود بدبخت دیگری به دنیا آمد (نامه رهبر ۱۳۲۲: ۲۳۸).

داستان «سرگذشت سکینه» (همان: ۲۳۹) و «بچه‌خور» (آزیر ۱۳۲۳: ۲۰۱-۲۰۲) نیز به همین موضوع پرداخته‌اند. در نشریه نامه مردم، داستانی تحت عنوان «شکار شوهر» منتشر شده که به فقر فرهنگی میان زنان پرداخته است: «[...] آقای... شما که می‌دانید آدم شوهر می‌کنه خوش بگذرونه و الا خونۀ پدرش هست [...]» (نامه مردم ۱۳۲۲: ش ۸).

بیداری ما، ارگان تشکیلات دموکراتیک زنان، نیز داستان‌های با همین مضمون دارد. از جمله داستان «دستی دستی تو آتیش نمی‌ندازیم» که ماجرای دختری است که می‌خواهد با «چشمانی باز» ازدواج کند:

پاهشو یک کفش کرده می‌گه مرغ یه پا داره. الله‌ویالله من باید این شوهری که برام اومده پیش‌پیش ببینم، رفت‌وآمد بکنم و از اخلاقش سر دربیارم. آن وقت بعد از همه حرف‌ها تازه بگم آره یا نه! چشم ننت روشن! الهی دختر به آرزوت نرسی. الهی شب بخوابی صبح سر بلند نکنی. الهی اون کسی که اسم مدرسه رو جلوی تو برد به تیغ غیب گرفتار بشه! حالا پیام سر آخرسری بعد از یک عمر دعا و نماز به درگاه خدا گناه و بی‌آبرویی تو رو به گردن بگیرم... (بیداری ما ۱۳۲۳: ش ۴).

فقر فرهنگی که نویسندگان این قبیل داستان‌ها به بیان آن پرداخته‌اند، برخاسته از فقر اقتصادی است و نتیجه ظلم طبقات حاکم به فرودستان است. ضمن آن‌که به صورت غیرمستقیم، داشتن گرایش‌های مذهبی را نیز برخاسته از فقر فرهنگی جلوه می‌دهند.

۲.۳ ظلم و ستم بر فرودستان

براساس دیدگاه‌های کمونیستی طبقه پرولتاریا به دو گروه کارگران و دهقانان تقسیم می‌شود که با استفاده از توان بدنی کسب درآمد می‌کنند. از این رو، از ضعیف‌ترین قشرهای جامعه به‌شمار می‌آیند. رهبران فکری کمونیسم توجه به کارگران و دهقانان را به‌عنوان یکی از اصول مهم حرکت به‌سوی جامعه‌ای سوسیالیستی مطرح کرده‌اند و نویسندگانی که به تبلیغ اندیشه‌های حزبی پرداخته‌اند، به این اصل مهم توجه داشته‌اند و در آثار خود بیش‌تر مشکلات دو طبقه کارگر و کشاورز را مطرح کرده‌اند.

روزنامه سیاست، اولین ارگان رسمی حزب توده ایران، داستانی تحت عنوان «کتاب آرزو»، تألیف عباس اسکندری، را در ۱۴۸ شماره از ۱۵۹ شماره منتشر شده خویش چاپ کرده است. این داستان به یک رمان تاریخی شبیه است که با جزئیات دقیق و به صورت خاطره‌وار تاریخ مشروطه، ظلم، و استبداد آن دوران را شرح می‌دهد.

در داستان «حلاج شهر ل...» به ظلم‌هایی که به کارگران می‌شود پرداخته شده است و این‌که اربابان مزد کارگران را «انعام» می‌دانند (نامه رهبر ۱۳۲۲: ش ۷۰). «محیط تنگ» (مردم ماهانه ۱۳۲۶: ش ۹) و «زندگی که گریخت» (همان: ش ۳)، که در مورد فقر کارگران و ظلم به آنان است، و «اعتراف» (همان: ش ۱)، که راجع به ظلم به زندانیان و مبارزه ایشان است، از جلال آل احمد در مردم ماهانه منتشر شده‌اند و «فردا» (پیام نو ۱۳۲۵: ۷، ۸) صادق هدایت، که راجع به ظلم به کارگران است، نیز در نشریه پیام نو به چاپ رسیده است. در داستانی با عنوان «برای پسر ارباب»، که در نشریه رزم منتشر شده، بار دیگر موضوع ظلم اربابان بر زیردستان مطرح شده است:

ارباب برای این‌که دردانه نونورش را راضی کند، پیرمردی را که هنوز می‌توانست شاداب و سوزنده زندگی کند، زیر خاک کرد. دختری را که به زندگی‌اش امیدها داشت به خدمت‌کاری انداخت و برای این‌که هوس دوسه روزه پسرش را خوابانده باشد، زندگی یک دهقان خدمت‌کار و شرافت‌مند را بی‌ریخت کرد و علی‌مراد را سرگردان نمود. ارباب‌ها همه همین‌طور هستند. ارباب‌ها خودپسندند، ارباب‌ها نونور هستند، و فکر هیچ‌کس را نمی‌کنند. بگذار آن‌ها به مرادشان برسند و دنیا به هم بخورد، برای آن‌ها هیچ اهمیتی ندارد (رزم ۱۳۲۲: ش ۳۳).

داستان‌های بسیاری در این نشریات به ظلم اربابان پرداخته‌اند؛ از جمله «دهکده پرلان» (سوگند ۱۳۲۷: ش ۶-۱۴) و «برباد رفته‌ها» (همان: ش ۱۶)، «مرگ کارگر» (نامه رهبر ۱۳۲۲: ش ۱۲۸)، «اختراع تازه» (نامه مردم ۱۳۲۲: ش ۲۲)، «سیب سرخ» (پیام نو ۱۳۲۷: ش ۲، ۳)، «کودکان را برای چه می‌دزدیدند؟» (آزیر ۱۳۲۳: ۱۹۲)، «رأی منصفانه دادگاه» (ظفر ۱۳۲۳: ش ۸)، و ...

۳.۳ فساد اجتماعی

موضوع پربسامد دیگر در این نشریات پرداختن به فسادهای اجتماعی است. داستان‌هایی که این مضمون را مورد توجه قرار داده‌اند، اغلب ساده و بی‌پیرایه‌اند و بسیاری از آن‌ها

به صورت حکایتی برای شرح یک معضل اجتماعی نوشته شده‌اند. برای مثال در انتهای داستانی تحت عنوان «دم‌پختک» آمده است:

وی بعداً فهمید که چرا در یک اجتماع باید بینوایی موجود باشد تا انجمن‌های خیریه لزوم پیدا کند و آن وقت دریافت که همه چیز برای آسایش و تغذیه همه کس در اجتماع به قدر کافی موجود است، لیکن سیستم غلط اجتماعی ما عده‌ای را بیش از آن حدی که لایق‌اند بهره داده و عده کثیر دیگری را خیلی کم‌تر از کارشان مزد می‌دهد (نامه مردم ۱۳۲۲: ش ۹).

در مطلبی تحت عنوان «زندگی روزانه» در نشریه مردم مشاغل کاذبی که در جامعه وجود دارد و حاصل برنامه‌های اشتباه توسعه و مهاجرت روستاییان به شهر است، مورد نقد قرار گرفته است و در ضمن آن سیاست مذهب‌ستیزی نیز دنبال شده است.

لابد این قرآن‌خوان قلابی هم یکی از آن بی‌کاره‌هایی است که تازه از ده آمده و در این هنگامه تمدن بهترین راه کاسبی کردن و نان خوردن را این‌طور تشخیص داده یا یکی از آن شیخ‌های پوسیده است که برای نان درآوردن راهی جز خواندن قرآن آن‌هم در کنار خیابان بلد نیست [...] ما اسلام را می‌خواهیم، نه این آش شله‌قلم‌کاری که برای‌مان درست کرده‌اند (مردم ۱۳۲۲: ش ۱۱۰).

نشریه سروش فارس بیش از دیگر نشریات به مضمون فساد اجتماعی پرداخته است که از آن میان می‌توان به داستان‌های «تیر ناهق» (سروش فارس ۱۳۲۳: ش ۸۸)، «شب اول قبر» (همان: ش ۹۸)، «کیسه‌کش» (همان: ش ۱۳۱)، «در اتاق دادستان» (سروش فارس ۱۳۲۴: ش ۱۶۴)، و «نام‌دار» (سروش فارس ۱۳۲۵: ش ۲۶۹) اشاره کرد. البته این مضمون در دیگر نشریات نیز به صورت فراوان مطرح شده است. برای نمونه داستان‌های «رأی منصفانه دادگاه» (ظفر ۱۳۲۳: ش ۸)، «دیوانه» (سوگند ۱۳۲۷: ش ۲۶)، «سفر تجارتي» (مردم برای روشن‌فکران ۱۳۲۴: ش ۴۱)، «برق سرنیزه» (آثریر ۱۳۲۳: ش ۲۰۳)، «کارت ویزیت» (بیداری ما ۱۳۲۳: ش ۴)، و ...

۴. سبک داستانی

داستان‌های منتشرشده در نشریات حزب توده اگرچه از نظر مضمونی شباهت فراوان دارند، از نظر گونه‌های داستانی می‌توان میان آن‌ها تمایزاتی مشاهده کرد. با بررسی‌های

بررسی گونه و محتوای داستان‌های ... (محمد رضا حاجی آقابابایی و غزاله محمدی) ۱۰۱

انجام شده به نظر می‌رسد می‌توان این داستان‌ها را در سه گونه مختلف قرار داد که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱.۴ داستان‌های محتوامحور

ادبیات برای حزب توده همواره دست‌آویزی برای هموارساختن راه رسیدن به اهداف و آرمان‌های حزبی بوده است و چون در این راه بیش‌ترین اهمیت را درون‌مایه‌ها و جاذبه‌های موضوعی دارند، اغلب استواری زبان و ساختار در پدیده‌های هنری مغفول می‌ماند و داستان به ابزاری برای تبلیغ اندیشه‌های حزبی بدل می‌شود و خلاقیت‌های هنری کم‌وبیش از میان می‌رود. بسیاری از این داستان‌ها به شیوه خاطره‌نویسی ارائه شده‌اند و نویسندگان آن‌ها افرادی عادی‌اند و سبک ادبی خاصی ندارند. غالب این داستان‌ها از میان نامه‌های رسیده به نشریه انتخاب شده‌اند و خالی از هرگونه سبک داستان‌پردازانه، کاملاً ساده، و بدون بهره‌گیری از شگردهای داستانی‌اند. در این داستان‌ها، معمولاً نویسنده در انتهای داستان نتیجه یا شعار موردنظر خود را به صورتی روشن بازگو می‌کند. برای نمونه در داستان «کارگر» بعد از بیان داستان می‌خوانیم:

حالا دیگر نباید شما خوانندگان اصول دین از من بپرسید که مثلاً پاسبان‌ها و نگهبان‌های دم درب اتاق جناب رئیس چه معامله‌ای با آن بی‌چاره کردند و چه طور چهار دست‌وپای او را گرفته، توی سالن‌های کثیف و هوای خفه‌کننده کارخانه انداختند (سیاست ۱۳۲۱: ش ۸۰).

داستان «توده‌ای‌ها» نیز با این عبارت به پایان می‌رسد: «کاش یک نفر این‌جا بود و از قول ما به تمام اربابان حریص پیام می‌برد: بدین طرق توده‌ها قیام می‌کنند» (نامه رهبر ۱۳۲۳: ش ۳۶۱). داستان «به‌درک که فقیر بی‌چاره‌ها از بین بروند» نیز دارای شعار روشنی است: «حرف پیش خودمان بماند ارباب خیلی احمق بود. ارباب نمی‌دانست اگر فقیر بی‌چاره‌ها از بین بروند، دیگر نمی‌تواند ارباب بشود و دیگر کسی نیست که او را استعمار بکند! ارباب خیلی احمق بود!» (نامه مردم ۱۳۲۲: ش ۶۴).

در داستان «صبح امتحان»، نویسنده به همین روش نتیجه‌گیری کرده است: «فقط اتحاد و اقدام است که می‌تواند فساد و پلیدی‌های اجتماع را بشوید و دنیای نوی که در آن جز اشک و جد و سرور به چشم نیاید بنا نماید. جوانان برای بنانهادن چنین دنیایی جبهه جوانان را تقویت کنید» (رزم ۱۳۲۲: ش ۴).

نام داستان‌ها نیز تاحدودی نشان‌دهنده محتوا، مضمون، و شعاری است که نویسنده در پی بیان آن است. در ادامه بعضی از عناوین داستان‌ها آورده می‌شود: «کیسه‌کش مازندرانی» (نامه رهبر ۱۳۲۲: ش ۲۳۳)، «آب‌حوض‌کش» (همان: ش ۲۳۵)، «دختر سبزی‌فروش» (مردم ۱۳۲۰: ش ۲۵)، «عمله بی‌کار» (همان: ش ۱۰)، «سرگذشت حسن گاری‌چی» (ظفر ۱۳۲۵: ش ۲۷۰)، «دختر قالی‌باف» (همان: ش ۳۴۱)، و ...

۲.۴ داستان‌مقاله‌ها

یکی از گونه‌های خاص داستانی که در این نشریات دیده می‌شود، داستان‌هایی است که در ضمن روایت داستانی و باتوجه به موضوع، ناگهان نویسنده وارد متن داستان می‌شود و ضمن انطباق شرایط داستان با وضعیت دنیای واقع، درباره معضلات موجود در جامعه نظریات خود را بازگو می‌کند. در این گونه از داستان‌ها ظاهراً روایت داستانی فقط عاملی برای آماده‌سازی ذهن مخاطب بوده است تا نویسنده بتواند دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی خود را خارج از روایت داستانی بازگو کند. در پایان داستان «کیسه‌کش»، به قلم فریدون توللی، نویسنده این چنین به طرح دیدگاه‌های انتقادی خود می‌پردازد:

شما در این ادارات یک نفر را به من نشان بدهید که برسر کارش مسلط باشد. مهندس راه بخش دار است، بخش دار معلمی می‌کند، معلم عدلیه‌چی است، عدلیه‌چی حفاری می‌کند، حفار چغند می‌کارد، چغند کار دام‌پزشک است، دام‌پزشک مهندس آبیاری است، مهندس آبیاری دندان می‌کشد، دندان‌ساز معلم موسیقی است، معلم موسیقی دفتر ازدواج و طلاق دارد، دفتردار مشق رقص می‌دهد، رقص نخست‌وزیری می‌کند! خلاصه همه کار می‌کنند و همه پول می‌گیرند، ولی هیچ‌کس بر خود سوار نیست! (سروش فارس ۱۳۲۳: ش ۱۳۱).

در داستان «صادق ملارجب» نیز نویسنده، پس از گفتن داستان، شرایط حاکم بر دنیای داستان را با شرایط موجود در جامعه می‌سنجد:

به یادم آمد که ساعد هم در قضیه نفت با منطق آقای گل‌بهاری خیانت و دورویی خود را رنگ وطن‌پرستی می‌داد. باز به یادم آمد با همین منطق گل‌بهاری قرارداد ننگین داری را برای سی سال دیگر تمدید نمود و ملت فقیر و برهنه ایران را از یک منبع سرشار و گران‌بهای اقتصادی محروم داشت (همان: ش ۱۳۵).

داستان «یاخچی دور» نیز چنین سبکی دارد (نامه رهبر ۱۳۲۳: ش ۴۱۷).

۳.۴ داستان‌های حرفه‌ای

باتوجه به این که نویسندگان حرفه‌ای زیادی از اعضا یا هواداران حزب توده به‌شمار می‌آمدند، در نشریات حزبی آثار داستانی ایشان منتشر می‌شد. این داستان‌ها از نظر ساخت هنری و استفاده از تکنیک‌های داستان‌نویسی در سطح بالایی قرار دارند و درکنار محتوا، فرم داستان‌ها نیز از اهمیت برخوردار است. از میان نویسندگانی که به‌صورت حرفه‌ای داستان نوشته‌اند و در نشریات حزب توده منتشر کرده‌اند، می‌توان از کسانی هم‌چون صادق هدایت، صادق چوبک، بزرگ علوی، جلال آل‌احمد، به‌آذین، و عده‌ای دیگر از نویسندگان مشهور نام برد.

نشریهٔ پیام نو، «ناشر افکار انجمن روابط فرهنگی ایران با اتحاد جماهیر شوروی»، با هیئت تحریریه‌ای متشکل از فاطمه سیاح، عیسی بهنام، پرویز ناتل خانلری، ذبیح‌الله صفا، عبدالحسین نوشین، سعید نفیسی، عبدالحسین نوشین، و صادق هدایت در دورهٔ دوم خود توجه ویژه‌ای به ادبیات داشته است و آثار داستانی منتشرشده در این نشریه بسیار حرفه‌ای و به‌قلم نویسندگان توانمند آن دوران است. داستان «نفیسی» (پیام نو ۱۳۲۴: ش ۹) صادق چوبک در این نشریه نیز منتشر شده است. چهار اثر صادق هدایت، «طلب آمرزش» (همان: ش ۲۴)، که به انتقاد از دین پرداخته، «فردا» (پیام نو ۱۳۲۵: ش ۷، ۸)، که رنج کارگران را موردتوجه داشته، «داش آکل» (پیام نو ۱۳۲۴: ش ۸)، که زندگی تودهٔ مردم و اخلاقیاتشان را شرح داده، و «آبجی خانم» (پیام نو ۱۳۲۵: ش ۶)، که به خرافات رایج درمیان تودهٔ مردم پرداخته است، در این نشریه منتشر شده‌اند. داستان «معرکه» (پیام نو ۱۳۲۴: ش ۲) از جلال آل‌احمد، که راجع به خرافات است، «اجاره‌خانه» (پیام نو ۱۳۲۵: ش ۱۱) و «آب» (پیام نو ۱۳۲۷: ش ۱) از بزرگ علوی، که درمورد رنج تودهٔ مردم و فقر آنان است، نیز در نشریهٔ پیام نو به‌چاپ رسیده‌اند. داستان‌های کودکانه از صبوحی مهتدی نیز در چندین شمارهٔ همین نشریه منتشر شده است.

در نشریهٔ مردم برای روشن‌فکران، که شورای نویسندگان را دکتر رادمنش، عبدالصمد کامبخش، احمد قاسمی، احسان طبری، دکتر فروتن، مهندس زاوش، مهندس مکی‌نژاد، و انور خامه‌ای تشکیل می‌دادند و به‌صورت هفتگی منتشر می‌شد، داستان‌هایی از صادق چوبک، بزرگ علوی، و جلال آل‌احمد چاپ شده است. داستان «زیر چراغ قرمز» (مردم برای روشن‌فکران ۱۳۲۳: ش ۶)، «گل‌های گوستی» (همان: ش ۹)، و «نفیسی» (همان: ش ۴) از صادق چوبک، که همگی به زندگی تودهٔ مردم، فقر، و اختلاف طبقاتی‌ای

که در جامعه وجود دارد پرداخته‌اند، «تابوت» (مردم برای روشن‌فکران ۱۳۲۴: ش ۴۵) از جلال آل‌احمد، که به خرافات و تظاهر به دین‌داری پرداخته است و داستان «یک زن خوش‌بخت» (مردم برای روشن‌فکران ۱۳۲۳: ش ۷) از بزرگ علوی، که بیان‌گر زندگی توده مردم و ظلمی است که به زنان می‌شود، در این نشریه منتشر شده است.

مردم ماهانه به سردبیری احسان طبری و مدیریت جلال آل‌احمد^۲، داستان‌های «لاک صورتی» (مردم ماهانه ۱۳۲۵: ش ۱)، «محیط تنگ» (مردم ماهانه ۱۳۲۶: ش ۹)، و «زندگی که گریخت» (همان: ش ۳) و داستان «اعتراف» (همان: ش ۱) را از جلال آل‌احمد منتشر کرده است که نویسنده در آن‌ها به بیان فقر اقتصادی و فرهنگی، مشکلات زنان، و رنج‌های زندانیان پرداخته است.

در این نشریه از بزرگ علوی نیز داستان‌های «پنج دقیقه پس از دوازده» (همان: ش ۷)، «گیله‌مرد» (همان: ش ۳)، و «خائن» (همان: ش ۶) منتشر شده است که به بیان فساد اداری، ظلم و ستم بر کشاورزان، و مضامین آزادی‌خواهی و مبارزه با ستم‌گران پرداخته است. در نشریه مردم ماهانه یک داستان نیز از ابراهیم گلستان به نام «به‌دزدی رفته‌ها» منتشر شده است (همان: ش ۳) که مضمون آن درباره فقر توده مردم است.

احسان طبری نیز داستان‌هایی در این نشریه دارد، از جمله «شغال‌شاه» (مردم ماهانه ۱۳۲۵: ش ۲)، که به موضوع آزادی‌خواهی پرداخته است، «راهی به بیرون از دیار شب» (مردم ماهانه ۱۳۲۶: ش ۲)، که داستانی نمادین درباره ظلم است، و «سومین پتک» (مردم ماهانه ۱۳۲۷: ش ۸)، که در مورد ظلم به کارگران است.

دیگر نویسنده فعال سعید نفیسی است که سلسله داستان‌هایی در مورد شکوه گذشته ایران و مبارزات آزادی‌خواهان آن روزها منتشر کرده است که بیش‌تر آن‌ها درباره مقاومت ایرانیان در مقابل اعراب است: داستان‌های «ماه‌نخشب» (مردم ماهانه ۱۳۲۵: ش ۴)، «جوان‌مرد خراسان» (همان: ش ۵)، «پسر آذرک» (همان: ش ۶)، «امیرزاده نافرجام» (مردم ماهانه ۱۳۲۶: ش ۹)، «ابومنصور محمد بن عبدالرزاق» (همان: ش ۳)، و «آتش سده» (همان: ش ۵).

از عبدالحسین نوشین نیز داستانی به نام «استکان شکسته» (مردم ماهانه ۱۳۲۵: ش ۵) در این نشریه منتشر شده که در مورد فقر است. در دیگر داستان‌های منتشرشده در این نشریه نیز کمابیش همین مضامین تکرار شده‌اند و از نظر بهره‌گیری از عناصر و شگردهای داستانی نیز در سطح بالایی قرار دارند.

بررسی گونه و محتوای داستان‌های ... (محمد رضا حاجی آقابابایی و غزاله محمدی) ۱۰۵

نشریه *بیداری ما*، که به مسئولیت زهرا اسکندری از تیر ۱۳۲۳ تا ۱۳۲۷ فعال بوده و به صورت تخصصی به زنان می‌پرداخته است، در شماره‌های اول داستان‌های محتوامحوری، که به سبک و ساخت هنری توجه چندانی ندارند، منتشر می‌کرد، اما به تدریج داستان‌هایی حرفه‌ای از نویسندگان مشهور منتشر کرد که از آن میان می‌توان به داستان «لاله» از صادق هدایت (*بیداری ما* ۱۳۲۴: ش ۶) و داستان «سایه» از سیمین دانشور (*بیداری ما* ۱۳۲۷: ش ۸، ۹) نام برد. بخشی از این نشریه به انتشار داستان‌هایی برای کودکان اختصاص داشت.

۴.۴ داستان‌های عامیانه

توجه به فرهنگ، ادبیات عامه، و اقلیت‌های قومی از مسائلی است که رهبران فکری رئالیسم سوسیالیستی آن‌ها را تبلیغ می‌کردند. از این رو، هم‌زمان با گسترش اندیشه‌های مارکسیستی در ایران، پژوهش‌های مرتبط با ادبیات عامه اوج گرفت و در نشریات وابسته به حزب توده نیز جایگاه خاصی پیدا کرد. برخی از این نشریات با انتشار ضرب‌المثل‌های ملل مختلف، اشعار محلی، و داستان‌های فولکلور و عامیانه تلاش می‌کردند هرچه بیش‌تر به پررنگ کردن خرده‌فرهنگ‌ها و برجسته‌کردن ادبیات اقوام مختلف بپردازند.

نشریه *پیام نو* از نشریاتی است که به صورت تخصصی به موضوع ادبیات عامه پرداخته است. از شماره هفتم سال اول این نشریه، بعد از مقدمه‌ای کوتاه بر یک داستان فولکلور به قلم کریم کشاورز، در هر شماره داستان‌ها و اشعار فولکلور به چاپ رسیده است. در مقدمه کریم کشاورز درباره اهمیت ادبیات توده مردم چنین آمده است:

ادبیات شفاهی توده یعنی قصص و حکایات و امثال و حکم و معماها و آوازه‌ها و اشعاری که سینه‌به‌سینه و دهن‌به‌دهن به ما رسیده و اکنون نیز در آزمایشگاه پربرکت و حاصل خلق دائماً در حال تکوین است. ادیبان نام‌داری مانند گورکی و پوشکین و گوگول و نگراسوف و تولستوی و دانتیه و شکسپیر و گوته به این نکته پی‌برده و دست‌توسل به سوی آن منبع بیکران دراز کرده و مضامین بکر و موضوع‌های تازه به دست آوردند. برای درک خصوصیات ادبیات ملتی امتیازات فولکلور و ادبیات توده آن را باید دانست (*پیام نو* بی تا: س ۱، ش ۷).

داستان‌هایی از ادبیات عامه چون «متل ماه‌پیشانی» (*پیام نو* ۱۳۲۴: ش ۷، ۸)، «شنگول و منگول» (همان)، «زن پیه‌زن» (*پیام نو* ۱۳۲۵: ش ۵)، «آسانو» (همان: ش ۹)، «گل

به صنوبر چه گفت» (همان: ش ۱۲)، «میرزا مست و خمار و بی‌بی مهرنگار» (همان: ش ۲)، و... در این نشریه منتشر شده‌اند.

گاهی نیز روایت‌های گوناگون یک داستان فولکلور مورد بررسی قرار گرفته است. به‌عنوان مثال، شش روایت از داستان «بزک زنگوله‌پا» از افراد مختلف جمع‌آوری و منتشر شده است که از نظر چگونگی تطور این داستان اهمیت دارد (پیام نو ۱۳۲۴: ش ۳).

داستان‌های فولکلور سایر ملت‌ها نیز مورد توجه این نشریه بوده است. به‌عنوان مثال، داستان «بی‌بی پیک» از داستان‌های فولکلور روسیه به‌شمار می‌آید که در این نشریه منتشر شده است (پیام نو ۱۳۲۷: ش ۵).

ادبیات عامه در دیگر نشریات نیز مورد توجه بوده است و داستان‌هایی را در این زمینه منتشر کرده‌اند؛ از جمله داستان «پلنگ و دله» (مردم ماهانه ۱۳۲۵: ش ۲)، «شعباس و دختر» (همان: ش ۶)، «سرگذشت دیو و کووک» (مردم ماهانه ۱۳۲۶: ش ۹)، و ...

۵. نتیجه‌گیری

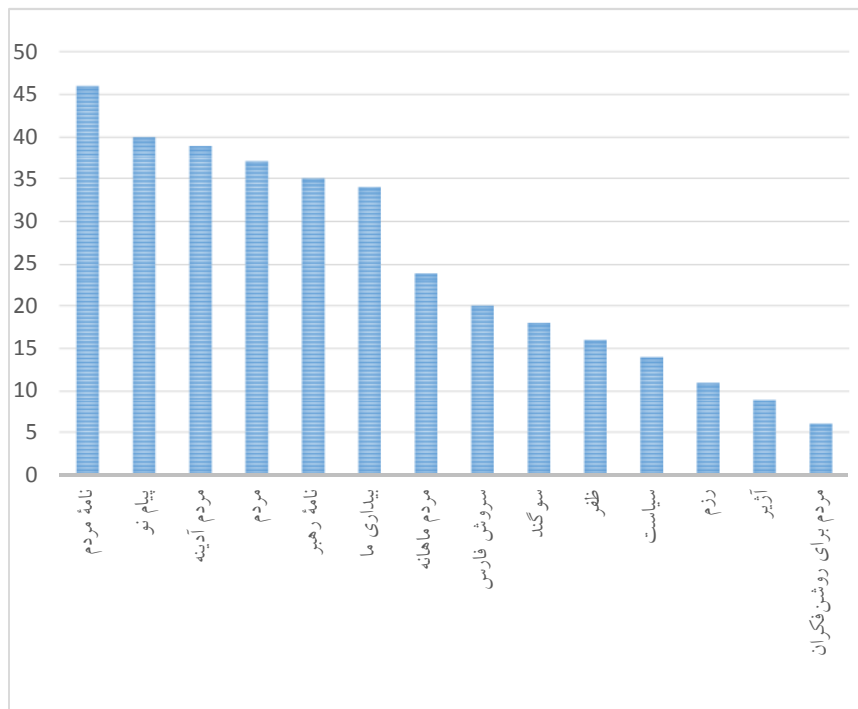
حزب توده ایران، در طول تاریخ حیات سیاسی خود، هنر و ادبیات را به‌عنوان ابزاری برای ترویج آرمان‌ها و آموزه‌های خود به‌کار گرفته است و باتوجه به آن‌که در میان اعضا و هواداران این حزب، تعداد زیادی از شاعران و نویسندگان ایرانی حضور داشته‌اند، خواسته‌وناخواسته بسیاری از دیدگاه‌های ایدئولوژیک، به‌ویژه رویکرد رئالیسم سوسیالیستی، در این آثار به‌خوبی دیده می‌شود.

از نظر سبک نوشتاری، آثار داستانی منتشر شده براساس آموزه‌های رئالیسم سوسیالیستی را می‌توان به دو دسته داستان‌های محتوامحور و ابتدایی و داستان‌های حرفه‌ای تقسیم‌بندی کرد. در داستان‌های محتوامحور، بیش‌تر با شعارها و بیان آرمان‌های حزبی روبه‌رویم و از شگردهای داستانی و پی‌رنگ‌های پیچیده خبر چندانی نیست. نویسندگان این داستان‌ها بیش‌تر کسانی‌اند که به‌صورت تفننی به ادبیات پرداخته‌اند و تحت‌تأثیر شعارهای حزبی، آثاری را پدید آورده‌اند. در این داستان‌ها اغلب از استواری زبان و ساختار غفلت شده است و خلاقیت‌های هنری در برابر جزمیت‌های حزبی و ایدئولوژیک از میان رفته است.

دسته‌ای دیگر از داستان‌های نوشته‌شده براساس آموزه‌های رئالیسم سوسیالیستی به نویسندگان حرفه‌ای اختصاص دارد که براساس شگردهای داستانی به خلق اثر پرداخته‌اند و بسیار ظریف و ماهرانه در لایه‌های زیرین داستان به طرح دیدگاه‌های ایدئولوژیک پرداخته‌اند.

بررسی گونه و محتوای داستان‌های ... (محمدرضا حاجی آقابابایی و غزاله محمدی) ۱۰۷

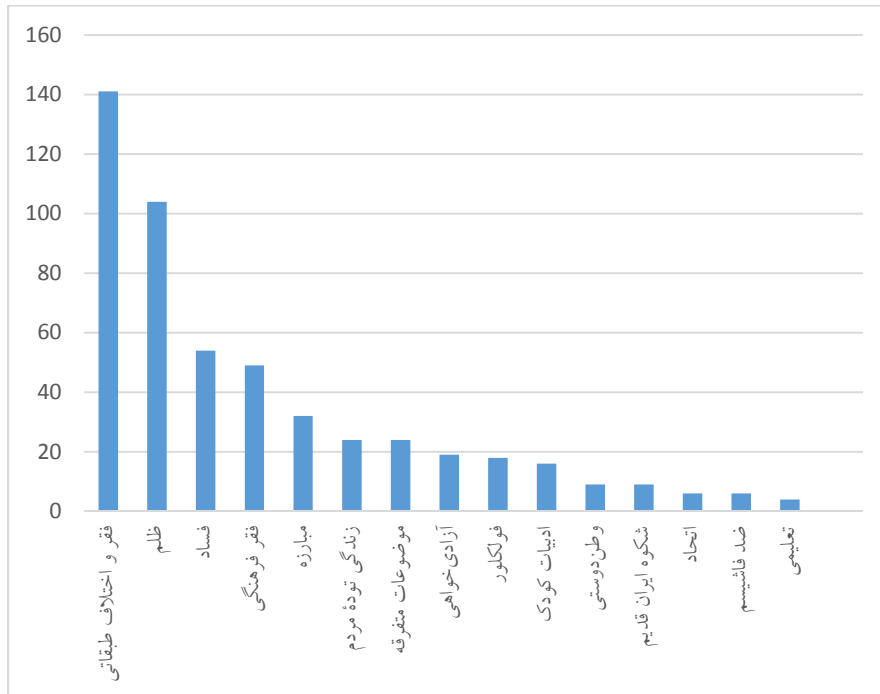
در این پژوهش با بررسی چهارده عنوان نشریه وابسته به حزب توده ایران در دوره اول فعالیتش (مهر ۱۳۲۰ تا بهمن ۱۳۲۷) می‌توان چنین نتیجه گرفت که گونه ادبی «داستان» برای حزب توده ایران اهمیت بسیار داشته و نویسندگان دارای گرایش‌های حزبی از این گونه ادبی برای بیان اندیشه‌های ایدئولوژیک حداکثر استفاده را کرده‌اند.



نمودار ۱. بسامد داستان‌های منتشرشده در نشریات حزب توده ایران

شایسته یادآوری است که بسیاری از داستان‌های منتشرشده در این نشریات به صورت دنباله‌دارند و این آمار براساس عناوین داستان‌هاست، نه تعداد شماره‌هایی که این داستان‌ها را منتشر کرده‌اند؛ برای مثال روزنامه سیاست، چهارده عنوان داستان را در ۱۴۸ شماره به چاپ رسانده است و روزنامه نامه رهبر نیز ۳۵ عنوان داستان را در ۷۲ شماره و روزنامه مردم نیز ۳۷ عنوان داستان را در ۹۸ شماره منتشر کرده‌اند.

مضامین به‌کاررفته در این داستان‌ها نیز دربرگیرنده ویژگی‌های رئالیسم سوسیالیستی، یعنی گرایش‌های سیاسی و حزبی، دیدگاه‌های ایدئولوژیک، و دیدگاه‌های مردم‌گرایانه است که باتوجه به توانمندی نویسندگان به شیوه‌های گوناگون مطرح شده است.



نمودار ۲. بسامد مضمونی داستان‌های منتشر شده در نشریات حزب توده ایران

پی‌نوشت‌ها

- این پژوهش براساس نسخه‌های موجود در کتاب‌خانه‌های ملی، تهران، و مجلس شکل گرفته است و گاهی بعضی از نسخه‌های نشریات موجود نبوده است.
- در کتاب حزب توده در آلمان شرقی به‌روایت اسناد ساواک نام مستعار خانم ملکه محمدی، عضو کمیته مرکزی حزب توده بعد از انقلاب، «مینو» ذکر شده و در کتاب فهرست اسامی مستعار نام مستعار حسینقلی مستعان نیز این گونه آمده است. از این‌رو، هویت واقعی نویسنده مشخص نیست. در مورد «ع. ا. روئین» نیز چیزی نیافتیم.
- جلال آل‌احمد از آغاز فعالیت نشریه مردم ماهانه به‌عنوان مدیر داخلی معرفی می‌شود و فعالیت مستمر و مؤثری دارد. از شماره ششم سال دوم، اسفند سال ۱۳۲۶، هم‌زمان با انشعاب خلیل ملکی، آل‌احمد نیز از حزب توده جدا می‌شود و حزب نیز نام او را از این نشریه حذف می‌کند.

کتاب‌نامه

- اسکندری، ایرج (۱۳۶۸)، *خاطرات سیاسی*، تهران: علمی.
- آزیر (۱۳۲۳)، «بچه‌خور»، ی. ایران‌زاده، س ۲، ش ۲۰۱، ۲۰۲.
- آزیر (۱۳۲۳)، «برق سرنیزه»، م. به‌آزین، س ۲، ش ۲۰۳.
- آزیر (۱۳۲۳)، «کودکان را برای چه می‌دزدیدند؟»، م. ک. ز. ر.، س ۲، ش ۱۹۲، ۱۹۴.
- بیداری ما (۱۳۲۴)، «لاله»، صادق هدایت، س ۲، ش ۶.
- بیداری ما (۱۳۲۳)، «دستی دستی تو آتش نمی‌اندازیم»، نجمی رزم‌آذر، س ۱، ش ۴.
- بیداری ما (۱۳۲۳)، «کارت ویزیت»، مریم فیروز، س ۱، ش ۴.
- بیداری ما (۱۳۲۷)، «سایه»، سیمین دانشور، س ۵، ش ۸، ۹.
- پیام نو (۱۳۲۴)، «بزک زگوله‌پا»، روایت یزدی، دوره دوم، ش ۳.
- پیام نو (۱۳۲۴)، «شنگول و منگول»، روایت تهرانی، دوره دوم، ش ۳.
- پیام نو (۱۳۲۴)، «طلب آمرزش»، صادق هدایت، س ۲، ش ۱۲.
- پیام نو (۱۳۲۴)، «معرکه»، بزرگ علوی، دوره دوم، ش ۲.
- پیام نو (۱۳۲۵)، «اجاره‌خانه»، بزرگ علوی، س ۲، ش ۱۱.
- پیام نو (۱۳۲۵)، «آبجی خانم»، صادق هدایت، دوره دوم، ش ۶.
- پیام نو (۱۳۲۵)، «آسانو»، گردآورده شوریده شاهرودی، دوره دوم، ش ۹.
- پیام نو (۱۳۲۵)، «زن پیه‌زن»، گردآورده کریم کشاورز، دوره دوم، ش ۵.
- پیام نو (۱۳۲۵)، «فردا»، صادق هدایت، دوره دوم، ش ۷، ۸.
- پیام نو (۱۳۲۵)، «گل به صنوبر چه گفت»، گردآورده علی ابهری، دوره دوم، ش ۱۲.
- پیام نو (۱۳۲۵)، «متل ماه‌پیشانی»، گردآورده خسرو کوهیار، دوره دوم، ش ۷، ۸.
- پیام نو (۱۳۲۵)، «میرزا مست و خمار و بی‌بی مهرنگار»، گردآورده حشمت امیرابراهیمی، دوره سوم، ش ۲.
- پیام نو (۱۳۲۷)، «آب»، بزرگ علوی، س ۴، ش ۱.
- پیام نو (۱۳۲۷)، «بی‌بی بیک»، پوشکین، س ۴، ش ۵.
- خامه‌ای، انور (۱۳۶۲)، *فرصت بزرگ از دست‌رفته*، تهران: هفته.
- رزم (۱۳۲۲)، «برای پسر ارباب»، ن. و. نو، س ۱، ش ۳۳.
- رزم (۱۳۲۲)، «صبح امتحان»، همایون، س ۱، ش ۴.
- سروش فارس (۱۳۲۳)، «تیر ناحق»، فریدون توللی، س ۲، ش ۸۸.

۱۱۰ ادبیات پارسی معاصر، سال ۱۱، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

- سروش فارس (۱۳۲۳)، «شب اول قبر»، بامشاد، س ۲، ش ۹۸.
- سروش فارس (۱۳۲۳)، «صادق ملارجب»، فریدون توللی، س ۲، ش ۱۳۵.
- سروش فارس (۱۳۲۳)، «کیسه‌کش»، فریدون توللی، س ۲، ش ۱۳۱.
- سروش فارس (۱۳۲۴)، «در اتاق دادستان»، فریدون توللی، س ۲، ش ۱۶۴.
- سروش فارس (۱۳۲۵)، «نام‌دار»، فریدون توللی، س ۴، ش ۲۶۹.
- سوگند (۱۳۲۷)، «برباد رفته‌ها»، نوذر، س ۱، ش ۱۶.
- سوگند (۱۳۲۷)، «در دهکده پرلان»، الف، س ۱، ش ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۴.
- سوگند (۱۳۲۷)، «دیوانه»، پ. ا. پرویز، س ۱، ش ۲۶.
- سیاست (۱۳۲۰-۱۳۲۱)، «کتاب آرزو»، عباس اسکندری، س ۲۰، ش ۱-۱۵۸.
- سیاست (۱۳۲۱)، «کارگر»، س ۲۰، ش ۸۰.
- سیدحسینی، رضا (۱۳۸۴)، *مکتب‌های ادبی از باروک تا پاراناس*، تهران: نگاه.
- ظفر (۱۳۲۳)، «بچه‌های ولگرد»، م. افراشته، س ۱، ش ۳.
- ظفر (۱۳۲۳)، «رأی منصفانه دادگاه»، م. م. س ۱، ش ۸.
- ظفر (۱۳۲۵)، «دختر قالی‌باف»، س ۳، ش ۳۴۱.
- ظفر (۱۳۲۵)، «سرگذشت حسن گاریچی»، سلطان ابراهیم عامری، س ۲، ش ۲۷۰.
- کیانوری، نورالدین (۱۳۷۱)، *خاطرات نورالدین کیانوری*، تهران: اطلاعات.
- لوکاچ، گئورگ (۱۳۹۱)، *پژوهشی در رئالیسم اروپایی*، ترجمه اکبر افسری، تهران: علمی و فرهنگی.
- مردم (۱۳۲۰)، «دختر سبزی‌فروش»، س ۱، ش ۲۵.
- مردم (۱۳۲۰)، «عمله بی‌کار»، س ۱، ش ۱۰.
- مردم (۱۳۲۰)، «من یک کارگرم»، س ۱، ش ۳.
- مردم برای روشن‌فکران (۱۳۲۳)، «زیر چراغ قرمز»، صادق چوبک، س ۲، ش ۶.
- مردم برای روشن‌فکران (۱۳۲۳)، «گل‌های گوشتی»، صادق چوبک، س ۲، ش ۹.
- مردم برای روشن‌فکران (۱۳۲۳)، «نفتی»، صادق چوبک، س ۲، ش ۴.
- مردم برای روشن‌فکران (۱۳۲۳)، «یک زن خوش‌بخت»، بزرگ علوی، س ۲، ش ۷.
- مردم برای روشن‌فکران (۱۳۲۴)، «تابوت»، جلال آل‌احمد، س ۲، ش ۴۵.
- مردم برای روشن‌فکران (۱۳۲۴)، «سفر تجارتی»، رحمت‌الله الهی، س ۲، ش ۴۱.
- مردم ماهانه (۱۳۲۵)، «استکان شکسته»، ابراهیم گلستان، س ۱، ش ۵.
- مردم ماهانه (۱۳۲۵)، «پسر آذرک»، سعید نفیسی، س ۱، ش ۶.

- مردم ماهانه (۱۳۲۵)، «پلنگ و دله»، گردآورده زیور ماهوند، س ۱، ش ۲.
- مردم ماهانه (۱۳۲۵)، «پنج دقیقه پس از دوازده»، بزرگ علوی، س ۱، ش ۷.
- مردم ماهانه (۱۳۲۵)، «جوان مرد خراسان»، سعید نفیسی، س ۱، ش ۵.
- مردم ماهانه (۱۳۲۵)، «شاعباس و دختر»، گردآورده فریدون توللی، س ۱، ش ۶.
- مردم ماهانه (۱۳۲۵)، «ماه نخشب»، سعید نفیسی، س ۱، ش ۴.
- مردم ماهانه (۱۳۲۶)، «ابومنصور محمد بن عبدالرزاق»، سعید نفیسی، س ۲، ش ۳.
- مردم ماهانه (۱۳۲۶)، «امیرزاده نافرجام»، سعید نفیسی، س ۱، ش ۹.
- مردم ماهانه (۱۳۲۶)، «آتش سده»، سعید نفیسی، س ۲، ش ۵.
- مردم ماهانه (۱۳۲۶)، «به‌دزدی‌رفته‌ها»، ابراهیم گلستان، س ۲، ش ۳.
- مردم ماهانه (۱۳۲۶)، «خائن»، بزرگ علوی، س ۲، ش ۶.
- مردم ماهانه (۱۳۲۶)، «راهی به دیار شب»، احسان طبری، س ۲، ش ۲.
- مردم ماهانه (۱۳۲۶)، «زندگی که گریخت»، جلال آل‌احمد، س ۲، ش ۳.
- مردم ماهانه (۱۳۲۶)، «سرگذشت دیو و کوک»، گردآورده فریدون توللی، س ۱، ش ۹.
- مردم ماهانه (۱۳۲۶)، «شغال‌شاه»، احسان طبری، س ۱، ش ۲.
- مردم ماهانه (۱۳۲۶)، «گیله‌مرد»، بزرگ علوی، س ۲، ش ۳.
- مردم ماهانه (۱۳۲۶)، «لاک صورتی»، جلال آل‌احمد، س ۱، ش ۱.
- مردم ماهانه (۱۳۲۶)، «محیط تنگ»، جلال آل‌احمد، س ۱، ش ۹.
- مردم ماهانه (۱۳۲۷)، «سومین پتک»، احسان طبری، س ۲، ش ۸.
- ملکی، خلیل (۱۳۶۸)، *خاطرات سیاسی خلیل ملکی*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ناباکوف، ولادیمیر (۱۳۷۱)، *درس‌های درباره ادبیات روس*، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: نیلوفر.
- نامه رهبر (۱۳۲۲)، «ابوالحسن خان»، ح. خ، س ۲، ش ۲۳۸.
- نامه رهبر (۱۳۲۲)، «آب‌حوض کش»، فاطمه گرگانی، س ۱، ش ۲۳۵.
- نامه رهبر (۱۳۲۲)، «حلاج شهر ل...»، رواهیچ، س ۱، ش ۶۹-۷۱.
- نامه رهبر (۱۳۲۲)، «سرگذشت سکینه»، ن. وثوقی، س ۲، ش ۲۳۹، ۲۴۰.
- نامه رهبر (۱۳۲۲)، «کیسه‌کش مازندرانی»، ن. وثوقی، س ۲، ش ۲۳۳، ۲۳۴.
- نامه رهبر (۱۳۲۲)، «مرگ کارگر»، ن. و. نو، س ۱، ش ۱۲۸.
- نامه رهبر (۱۳۲۳)، «توده‌ای‌ها»، ا. ق، س ۲، ش ۳۵۱-۳۶۱.
- نامه رهبر (۱۳۲۳)، «یاخچی دور»، رواهیچ، س ۲، ش ۴۱۷.

۱۱۲ ادبیات پارسی معاصر، سال ۱۱، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

نامه مردم (۱۳۲۲)، «اختراع تازه»، گرمسیری، س ۱، ش ۲۲.

نامه مردم (۱۳۲۲)، «از دفتر خاطرات: دمپختک»، ا. ق.، س ۱، ش ۹.

نامه مردم (۱۳۲۲)، «به‌درک که فقیر بی‌چاره‌ها از بین بروند»، ن. و. نوید، س ۱، ش ۶۴.

نامه مردم (۱۳۲۲)، «زندگی روزانه»، س ۱، ش ۱۱۰.

نامه مردم (۱۳۲۲)، «سیاه و سفید»، جهانگیر افکاری، س ۱، ش ۱۳۷.

نامه مردم (۱۳۲۲)، «شکار شوهر»، ن. و نوید، س ۱، ش ۸.

هریسون، چارلز (۱۳۸۵)، هنر و اندیشه‌های اهل هنر، ترجمه مینا نوایی، تهران: کاوش.

هلپرین، جان (۱۳۹۲)، نظریه‌ی رمان در نظریه‌های رمان، ترجمه حسین پاینده، تهران: نیلوفر.